



پژوهش قرآن؛ پژوهش فرهنگ زمانه؛ ارتباط حکیمانه و یک‌سویه قرآن با فرهنگ عصر نزول

قرآن پژوهش فرهنگ زمانه است و قطعاً با جامعه عربی معاصر خود ارتباط برقرار کرده است؛ این ارتباط، ارتباطی حکیمانه و البته یک‌سویه است که با هدف ایجاد تغییر و تحول در آن فرهنگ صورت گرفته است.

همشهری آنلاین: قرآن پژوهش فرهنگ زمانه است و قطعاً با جامعه عربی معاصر خود ارتباط برقرار کرده است؛ این ارتباط، ارتباطی حکیمانه و البته یک‌سویه است که با هدف ایجاد تغییر و تحول در آن فرهنگ صورت گرفته است. حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالکریم بهجت‌پور، مدیر گروه دانشنامه قرآن‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره مباحث هرمنوتیک و تاریخ تفسیرنگاری اسلامی، روش‌های عقلایی و متعارف فهم قرآن، نیز معیارهای تشخیص خطای در تفسیر از منظر مفسران مسلمان، علل کم‌توجهی مفسران مسلمان به تدوین اثر مستقلی در مباحث روش‌شناسی فهم پرداخت.

نویسنده کتاب «؛ درآمدی بر اصول تحول فرهنگی (با الهام از نزول تدریجی قرآن)«؛ در بخشی از سخنان خود، درباره نسبت قرآن و فرهنگ زمانه عصر رسالت عنوان کرد: همین‌قدر به طور خلاصه می‌توان گفت که قرآن قطعاً با فرهنگ زمانه معاصرین نزول ارتباط دارد، اما این ارتباط، ارتباطی است که با هدف تغییر و تحول آن فرهنگ صورت گرفته است.

وی در تشریح این مطلب بیان کرد: ارتباط با فرهنگ با هدف تغییر و ایجاد تحول در آن فرهنگ اتفاق می‌افتد، نه این‌که متأثر از آن فرهنگ بشود؛ بنابراین می‌توان این‌گونه که گفت قرآن پژوهش فرهنگ زمانه است و انعکاسی از فرهنگ زمان نزول در قرآن آمده است.

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: دلیل این امر آن است که قرآن کتابی است که جامعه عربی معاصر نزول را موضوع تغییر و تحول قرار داد و آنها مثل و نمونه‌ای هستند برای این‌که چگونه می‌شود در پرتو قرآن یک واقعیت اجتماعی را تغییر داد و یک فضای اجتماعی تاریک را تبدیل به فضای اجتماعی روشن کرد.

وی افزود: قرآن کتابی نیست که دانش تربیت، دانش مشاوره و دانش اخلاق را منتقل کند و قواعد اخلاق را بگوید؛ بلکه قرآن به عنوان یک نمونه (case) مسائل یک جامعه را حل کرده و در ضمن آن حرف‌های اصلی خود را زده است. هم‌چنان‌که قرآن به موسی(ع) اشاره کرده و بعد می‌فرماید: من به موسی(ع) حکمت و دانش را در جوانی دادم و سپس در ضمن آن می‌فرماید: «؛وَكَذَلِكَ تَجْزِي الْمُحْسِنِينَ«؛.

مدیر گروه دانشنامه قرآن‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اضافه کرد: مدل قرآن این است که یک تربیت عینی، واقعی و مشخص را رقم بزند، نه دانش تربیت را؛ و این دانش را در ضمن حل مسئله و موضوع مطرح کرده و از همین روی، به طور طبیعی با واقع جامعه آن روز ارتباط برقرار کرده است.

حجت‌الاسلام بهجت‌پور در توضیح این مطلب گفت: ارتباط قرآن با واقع جامعه آن روز، مانند این است که یک استاد روانشناس ارتباطی با فرد برقرار می‌کند تا به ضمیر ناخودآگاه او وارد شود و با اصلاح عقده‌های ذهنی و عاطفی رفتار فرد را سامان بدهد؛ نه این‌که تحت تأثیر او قرار بگیرد.

وی ادامه داد: پس قرآن قطعاً با واقع جامعه عربی معاصر خود ارتباط برقرار کرده است، اما نه ارتباط تأثیرپذیر و نه حتی ارتباط دوسویه، مانند آنچه که نصر حامد ابوزید بدان معتقد است. قرآن با فرهنگ زمانه خود ارتباط یک‌سویه برقرار کرده و این ارتباط، ارتباطی حکیمانه است که با هدف ایجاد تغییر در فرهنگ صورت گرفته است.

پاسخ به چند شبهه

این محقق و پژوهشگر در پاسخ به این سؤال که آیا به رسمیت شناختن ماه قمری یا توصیف بهشت و حوران با آن اوصاف خاص، بازتاب فرهنگ شبه‌جزیره و متعلق بدان فرهنگ نیست؟، گفت: خداوند در قرآن می‌فرماید من از روزی که جهان را خلق کردم، عدد ماه‌ها دوازده بود و شما نباید این را نسیء و جایز کنید و ماهی را حذف کرده و ماهی را نگه دارید. این مسائل مربوط به عملکرد آنها

بود؛ یعنی مشرکان این کار را می‌کردند تا از حدود پذیرفته شده الهی تجاوز کنند.

وی اظهار کرد: این یک مسئله عربی زمان نزول است، اما یک قاعده عام دارد و آن این‌که بازی با قوانین به منظور از کار انداختن آنها و نرم کردن و انعطاف دادن آن قوانین به سود خواست جائزانه بشر حرام است و جائز نیست و خداوند در واقع با آن مثال در صدد بیان چنین مطلبی بوده است و ما وقتی امروز این مطلب را می‌بینیم، در واقع آن پیام را از این آیه استنباط می‌کنیم.

نویسنده کتاب «؛ تحریف‌ناپذیری قرآن؛ بیان کرد: اگر در زمان ما هم نسبت به ماه‌ها چنین اتفاقی بیفتد و کسی چنین عملی را انجام دهد، او نیز مشمول همین آیه خواهد شد؛ وگرنه حداقل پیام آن برای ما خواهد بود. همچنین در باب مثال‌هایی مانند حورالعین و ... و نعمت‌هایی که نام برده شده، این نعمت‌ها مورد رغبت هر انسانی است؛ یعنی انسان به دنبال این است که در یک کانون لذت خالص دائمی قرار بگیرد و از هرچه شقاوت و سختی، فاصله بگیرد.

وی تشریح کرد: قرآن کانون شقاوت‌ها را جهنم و کانون لذت‌ها را بهشت معرفی کرده است و سپس از آنجا که می‌داند که انسان چه چیزی را دوست دارد، تصریح می‌کند: «؛ رُؤینَ لِلتَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالتَّبَیِّنِ وَالتَّقَاتِیْرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِیضَةِ وَالحَیْلِ الْمُسَوِّمَةِ وَالأَنْعَامِ وَالحَرَّتِ ذَلِکَ مَتَاعُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ دوستی خواستنی‌ها [ی گوناگون] از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار[ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله مایه تمتع زندگی دنیا است و فرجام نیکو نزد خداست؛ (آل عمران/14).

نویسنده کتاب «؛ درآمدی بر اصول تحول فرهنگی (با الهام از نزول تدریجی قرآن)؛ ادامه داد: خداوند به خواست‌ها و لذت‌هایی که ما جویای آنها هستیم واقف است و می‌فرماید که من این لذت‌ها و کام‌هایی که شما دارید، در آنجا (بهشت) تأمین خواهم کرد. این لذت‌ها، موارد گوناگونی از ارتباط با جنس مخالف تا مناظر زیبا، خانه‌های مناسب، محیط مناسب همراه با انواع نعمت‌ها را شامل می‌شود.

وی ادامه داد: غالباً کسانی که در مسئله قرآن و فرهنگ زمانه شبهه کرده‌اند، یکی از مسائلی را که همواره بدان اشاره کرده‌اند آن است که گفته‌اند «؛ حورالعین؛ به معنای زن چشم‌سیاه است و مثلاً در اروپا زنان چشم‌آبی مورد رغبت بیشتری هستند و نه زن چشم‌سیاه و این اشتباه از آنجا ناشی شده که آنان توجه به این کلمه ندارند، اما حقیقت آن است که «؛ حورالعین؛ و «؛ حورالعین؛ به کسی گفته می‌شود که سفیدی چشم او درخشنده بوده و باشد و کدورتی نداشته باشد.

مدیر گروه دانشنامه قرآن‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: بنابراین حورالعین به کسی گفته می‌شود که چشمی درخشنده دارد و چون سیاهی هنگام قرار گرفتن در کنار سفیدی، آن را بیشتر نشان می‌دهد، برخی تصور کرده‌اند که مراد قرآن باید زنان چشم‌سیاه باشد، در حالی که این‌گونه نیست و اصلاً قرآن ذکری از نوع حقه و عدسی چشم (سیاه، آبی، سبز و ...) نکرده است.

نویسنده کتاب «؛ تحریف‌ناپذیری قرآن؛ بیان کرد: آنچه قرآن فرموده، به معنای درخشندگی سفیدی موجود در چشم است و از همین رو، برخی به جهت متوجه نشدن این معنا شبهه کرده‌اند که برای مثال شبه‌جزیره مهد زنان چشم‌سیاه بوده و در آنجا رغبت بیشتر به زنان سیاه‌چشم است و در اروپا زنان چشم‌آبی یا چشم‌سبز مورد رغبت بیشتری هستند!